مواجهه با ابعاد شخصیتی امام(ره)

حجت‌الاسلام و المسلمین علی ذوعلم، نویسنده و پژوهشگر درباره کتاب الف لام خمینی عقیده دارد: این کتاب فراتر از روایت‌های مرسومی است که شاید تا به حال از این شخصیت برجسته در دسترس مان بوده و تحلیلی از این شخصیت را بر پایه نوعی استناد تاریخی در اختیار ما می‌گذارد. شخصاً وقتی این کتاب را تهیه و مطالعه کردم تا آن را به اتمام نرساندم، نتوانستم زمین بگذارم. آقای بهبودی در این کتاب فقط به روایت تاریخ بسنده نکرده و در حقیقت نوعی زیستن با موضوع روایت را دنبال کرده که نویسنده طی آن توانسته به طرز جالب توجهی به ابعاد مختلف شخصیتی امام (قدس سره) نزدیك شود. این اثر در عین حال روایتی بسیار مستند دارد؛ برای من که در عصری مشترك با حضرت امام (قدس سره) زیسته‌ام این جنبه‌های مستند بسیار آشنا است. «الف لام خمینی» سبك تازه‌ای در پردازش تاریخ را در پیش گرفته که می‌تواند به عنوان الگویی در روایت‌های تاریخی مورد رجوع قرار بگیرد.

این تقدیر توست خدیجه

آقا روح‌ا... تقریبا از سال ۱۳۰۱ و با هجرت استادش شیخ عبدالکریم حائری یزدی به قم، به این شهر رفت. او ۲۰ ساله بود. از زمان هجرت به قم چند مرتبه به خواستگاری رفته و به جایی نرسیده بود. دختر چند خانواده به او معرفی شده بودند. یا او نپسندیده بود یا آنها آقا روح‌ا... را نپسندیده بودند. سال ۱۳۰۵ از بتول، دختر سیدمحمد کمره‌ای خواستگاری کرده بود. بتول دو سال از آقا روح‌ا... کوچك‌تر بود. در تهران زندگی می‌کرد. تحصیلکرده مدرسه فرانسوی‌ها و در آموزشگاه «مریض‌خانه نسوان» دوره درمان بیماری‌های زنان را دیده بود. پاسخ بتول کمره‌ای «نه» بود. او نمی‌خواست با یك «آخوند» ازدواج کند. سه سال بعد در سال ۱۳۰۸ هجری شمسی با پیشنهاد یکی از دوستان آماده خواستگاری از دختر شیخ محمد ثقفی شد؛ ثقفی از علمای تهران، فردی متمول و فاضل و خوش‌پوش بود که از سال ۱۳۰۳ برای تکمیل علوم دینی به قم مهاجرت کرده بود.

با این حال دختری که قرار بود آقا روح‌ا... او را خواستگاری کند با خانواده‌اش در قم زندگی نمی‌کرد و در تهران نزد مادربزرگش مانده بود. خدیجه ثقفی وقتی خبر خواستگاری طلبه‌ای از اهالی خمین را شنید، گفت نه: «من در کتاب جغرافیا هم نام خمین را ندیده بودم!» اما خواستگار آقا روح‌ا... پا پس نمی‌کشید.

پدر خدیجه به پیوند با آقا روح‌ا... راضی بود اما رضایت دخترش را هم لازم می‌دانست. مرتبه پنجم به واسطه خواستگار گفته بود اختیارش دست خودش و مادربزرگش است و ما برای آنها احترام زیادی قائلیم! جواب «نه» خدیجه قدسی همچنان ادامه داشت تا این‌که خواب‌ها به سراغ او آمدند و مقاومتش را سست! رویای آخر در شب نیمه شعبان دستاویزی برای خدیجه برای پاسخ منفی به جا نگذاشت. خواب دیده خانه‌ای با حیاط کوچك و اتاق‌هایی چند، چیده شده و دور آن، سه مرد نشسته‌اند. این سوی حیاط، خودش و پیرزنی ریزنقش در اتاقی دیگر بودند.

هیچ‌کس را از میان جمع نمی‌شناخت. نه آن مردها را نه این پیرزن را! از پیرزن پرسید این مردها چه کسانی هستند. پاسخ شنید آن روبه‌رویی که عمامه مشکی دارد پیامبر(ص) است، آن مرد هم که مولوی سبز دارد امیرالمومنین(ع) است. این طرف هم جوانی است که عمامه مشکی دارد؛ او امام حسن(ع) است.

خدیجه می‌گوید شروع کرد به خوشحالی که پیرزن به حرف آمد و گفت تو که از اینها بدت می‌آید! خدیجه با این حرف از خواب می‌پرد! ناراحت بوده که چرا زود از خواب بیدار شده. صبح خواب را برای مادربزرگش تعریف می‌کند. پاسخ مادربزرگ او را به فکر فرومی‌برد: «معلوم است که این سید [آقا روح‌ا...] سید حقیقی است و پیامبر(ص) و ائمه از تو رنجشی پیدا کرده‌اند... این [ازدواج] تقدیر توست!» خدیجه سال‌ها بعد دوباره آن پیرزن را در خواب دید زمانی که فرزند اولش را باردار بود.

پیرزن این بار بدون این‌که طعنه‌ای به خدیجه بزند به او گفته بود به دیدار حضرت زهرا(س) می‌رود. از قرائن توی خواب فهمید که فرزند توی راهش پسر است.

غفلت سینما از واقعیت

ما که در سینمای ایران دستمان خالی است، سینمای جهان چطور؟

امید رحمانی

سینما

دوران کودکی و نوجوانی پرفراز و نشیب، مهاجرت به اراك برای تحصیلات تکمیلی در حوزه علمیه، مبارزه با سیاست‌های محمدرضا پهلوی، زندانی شدن، سخنرانی علیه اعطای کاپیتولاسیون به مستشاران نظامی آمریکایی، تبعیدهای متعدد، فعالیت سیاسی در سال‌های دوری از وطن، رهبری انقلاب اسلامی ایران و... برخی از مهم‌ترین نقاط دراماتیك زندگی حضرت امام خمینی(ره) است که تنها هرکدام از آنها ظرفیت و قابلیت فراوانی برای بهره‌گیری سینمایی دارد، اما تجمیع توش و توان و اراده سینمایی کشور ما محدود و منحصر شده به فیلمی به نام «فرزند صبح» (به کارگردانی بهروز افخمی) که در زمان نخستین نمایش آن در جشنواره سال ۸۹ فیلم فجر، بازخورد مناسبی نداشت و همچنان هم باوجود صحبت‌هایی مبنی بر اصلاح و تدوین دوباره آن، بلاتکلیف باقی مانده است؛ فیلمی که بیشتر به دوران کودکی حضرت امام و تا هفت سالگی می‌پردازد و به‌جز آن، شامل صحنه‌هایی از دستگیری ایشان در ۱۵ خرداد سال ۴۲ بود.

درواقع همین یك تلاش جدی درباره روایت سینمایی حضرت امام(ره) هم به نتیجه مناسبی نینجامید که جای سؤال و بررسی دارد. این‌که چرا سینمای ایران با این همه ادعا و دستاوردهای داخلی و موفقیت‌های جهانی، به سادگی از کنار این همه ظرفیت بالقوه و دراماتیك زندگی یکی از بزرگ‌ترین و تاثیرگذارترین شخصیت‌های سیاسی و مذهبی جهان گذشته است و نتوانسته دینش را به بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران ادا کند؛ این شاید یکی از مهم‌ترین وظایف مغفول مانده سینمای ایران باشد. باتوجه به تفاوت‌ها و اختلافات سیاسی و مذهبی در جهان و رویکرد متفاوت ایران با برخی کشورهای دیگر، این انتظار بیشتر هم هست که ما بتوانیم از طریق رسانه تاثیرگذار سینما، تصویر درستی از شخصیت حضرت امام(ره) ارائه دهیم، اگرنه به دلیل نگاه و نفوذ دشمن در سینمای جهان به‌ویژه آمریکا و اروپا نسبت به جمهوری اسلامی ایران، هر خوانش سینمایی احتمالی درباره شخصیت حضرت امام(ره) مبتنی بر خطا و به دور از صداقت و واقعیت خواهد بود. کما این‌که هنوز سینمای جهان هم جرات و جسارت پرداختن به این موضوع را نیافته است.

نکته دیگری که باید در ملاحظه سینمایی سینمای ایران به آن اشاره کرد این است که شخصیت‌های بزرگ و تاثیرگذاری چون حضرت امام(ره)، به قدری عظمت دارند که هیچ فیلمی نمی‌تواند حتی گوشه‌ای از واقعیت را در این زمینه به تصویر بکشد. درواقع حق مطلب به خوبی توسط خود آن شخصیت ادا شده است و یك فیلم سینمایی دیگر چه چیزی می‌تواند به این واقعیت ناب و بی‌خدشه، اضافه کند. این نگاه سختگیرانه، نافی مسؤولیت سینمای ایران در این حوزه نیست و می‌توان دست‌کم، در قالب هنر سینما به چالش این مواجهه تن داد و حتی به برکت واقعیت، به دستاوردهایی هم امیدوار بود. با این حال سینمای جهان، برعکس سینمای ایران همیشه بهترین بهره را از زندگی شخصی و سیاسی شخصیت‌های مشهور سیاسی برده و دستاوردهای تماشایی و جذابی هم در این خصوص داشته است. ظرفیت‌های بالقوه دراماتیك و فراز و فرودهای زندگی رهبران و شخصیت‌های سیاسی جهان، بهترین فرصت برای روایت سینمایی است. این فیلم‌ها به عنوان آثار زندگی‌نامه‌ای، معمولا بخش‌هایی از زندگی این افراد را با چاشنی‌های نمایشی ترکیب می‌کنند که خوشایند تماشاگران باشد. البته در این میان، ممکن است نظر و قضاوت فیلمساز با سلیقه سیاسی برخی مخاطبان همسو نباشد، اما هرچه هست این فیلم‌ها. دست‌کم آن آثار مهم و ماندگار در این زمینه. به قدری خوب ساخته شده‌اند که این تفاوت سلیقه و دیدگاه سیاسی، چندان تعیین‌کننده نیست و بیشتر به چشم یك فیلم جذاب سینمایی به آن نگاه می‌شود. سینمای جهان البته در بیشتر موارد، ترجیح داده سراغ چهره‌های نه چندان خوشنام در میان رهبران و شخصیت‌های سیاسی برود. احتمالا دست فیلمسازان برای پرداختن به یك چهره مشهور نکوهش شده سیاسی بازتر است و آنها راحت‌تر می‌توانند چاشنی‌ها و افزودنی‌های دراماتیك و نمایشی را به شخصیت‌ها و قصه‌های اینچنینی اضافه کنند. هرچه باشد، چهره‌های منفور سیاسی امتحان خود را در دل تاریخ پس داده‌اند و می‌توان به این بهانه، آویزه‌های ریز و درشت نمایشی را به آنها آویخت. تماشاگران هم عمدتا در این مسیر، فیلمساز را همراهی می‌کنند و هنگام تماشای این دست آثار، اما و اگر نمی‌آورند که چرا مثلا فلان صحنه‌ها و فلان دیالوگ‌ها با واقعیت زندگی آن چهره سیاسی، همخوانی ندارد. سقوط (درباره هیتلر)، آخرین پادشاه اسکاتلند (درباره عیدی امین، رئیس جمهور اوگاندا) و موسولینی: داستان ناگفته نمونه‌هایی از این دست است. سهم چهره‌های سیاسی مثبت، اما در سینمای جهان چندان نیست و فیلم‌هایی که سراغ زندگی این شخصیت‌ها رفته، زیاد نیست. گاندی، عمر مختار و شکست ناپذیر (درباره ماندلا) از آثار قابل اشاره در این زمینه است.

به‌جز آن واقعیت که گرایش سینما به چهره‌های بدنام است بیشتر آن هم به دلایل دراماتیك، باز باید اذعان و تاکید کرد که واقعیت چهره‌های سیاسی مثبت، به قدری زیبا و بی‌کم و کاست است که سینما کمتر بتواند چیز جذاب دیگری به آن اضافه کند و پیش روی مخاطبان قرار دهد. فارغ از مثبت و منفی و خاکستری بودن شخصیت‌های سیاسی، بحث اصلی این نوشته، توجه به ظرفیت‌های بالقوه و دراماتیك این چهره‌هاست که سینمای ایران با مواردی نظیر ملاحظات، حساسیت‌ها، خطوط قرمز، تنبلی و اراده نداشتن، ترس از عدم ارتباط با مخاطبان با این‌گونه فیلم‌ها و... به‌سادگی از کنار آنها عبور می‌کند، اما سینمای جهان بدون ملاحظه سیاسی و بی‌واهمه از قضاوت، با خیال راحت سراغ یك روایت سینمایی جذاب از رهبران و چهره‌های سیاسی می‌رود.

در این گزارش به فراخور خلأیی که سینمای ایران در پرداخت شخصیت‌های سیاسی مهم خود از جمله حضرت امام خمینی(ره) دچار آن است، سراغ پرداخت‌های سینمای جهان از چهره‌های سیاسی رفته‌ایم تا بدانیم آنها در این راه چه کرده‌اند

منتقدان چه می‌گویند؟

«الف لام خمینی» نوشته هدایت‌ا... بهبودی مورد توجه منتقدان، نویسندگان و پژوهشگران قرار گرفت و هر یك درباره این اثر نکته و حرفی را بیان کرده و سعی در نقد آن و بیان نقاط ضعف و قوت اثر داشتند. در ادامه برخی از این نظرات را مرور می‌کنیم.

یك جلد کم است

حجت‌الاسلام والمسلمین رسول جعفریان
رئیس کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران

هدایت‌ا... بهبودی زحمت زیادی برای تالیف این کتاب کشیده، ولی هنوز در آغاز راه هستیم و باید مجموعه‌های زیادی در این زمینه بنویسیم. باید برای ۲۰۰ شخصیت انقلاب حداقل ۲۰۰ کتاب یك جلدی خوب، متناسب با سبك زندگی آنها داشته باشیم. البته امیدوارم در تاریخ‌نویسی‌مان با سبکی مطابق ذائقه نسل امروز پیش برویم و سطح دانش، معلومات و آموزش‌هایمان را بالا ببریم. هرچه مراکز علمی روی آموزش بیشتر تکیه کنند، مسلما کارهای بعدی بهتر و کامل‌تر خواهد بود.

عینیات زندگی امام

علیرضا کمره‌ای / نویسنده و پژوهشگر

الف. لام در اسم این کتاب شاید تلویحی باشد بر حروف مقطعه. شاید بشود آن را دلیل رمزوارگی موضوعی دانست که وضوح را برنمی‌تابد، شاید موضوع فراتر از کلمه و کلام باشد. الف. لام کاربرد دیگری هم ممکن است داشته باشد و آن این است که به اسم تشخص می‌دهد. در تلفیق این دو تفسیر این معنا به دست می‌آید که الف. لام هم پنهانی و هم پیدایی صاحب اسم را در دست دارد که این یکی از وجوه مردان بزرگ است.

آقای بهبودی در این کتاب وارد مقوله‌های عرفانی نشده است. این کتاب به عالم عینیات و زندگی امام(ره) برمی‌گردد. هیچ زندگی‌نامه بدون زمینه تاریخی و زمانه صاحب ترجمه نوشته شدنی نیست. کتاب الف.لام. خمینی را می‌شود در زمره زندگی‌نامه‌ها جا داد. زندگی‌نامه‌نویسی امری سهل و ممتنع است به خصوص درباره کسی که مثل هیچ‌کس نیست. حضرت امام(ره) مثل خودش است و نظیری نداشته است.

وصی از امام(ره) را از یك کتاب مهم مرور کرده‌ایم

خمینی

منتشر کردم و یادم است که در پاسخ یکی از دوستان نوشتم: «حیف، حیف که خیلی‌ها حوصله خواندن این کتاب را ندارند!» حالا تقریبا یك سال از آن روزها گذشته است.

معاون دوست داشتنی سردبیر، سفارش سوژه مناسبتی برای ایام ارتحال امام(ره) کرده و زیر زیرکی اشاره‌ای به «الف لام خمینی» می‌کند. خب چه فرصتی از این بهتر که برویم سراغش و برای شمایی که احتمالا حوصله خواندن یك کتاب هزار صفحه‌ای را ندارید، بعضی بخش‌هایش را روایت کنیم. این شما و این گزیده‌هایی به انتخاب ما از شاهکار هدایت‌ا... بهبودی.

در ماه رمضان

در خواب دیده بودند. رفتند حرم شاه عبدالعظیم حسنی(ع) و صیغه عقد را آنجا خواندند. مبلغ مهریه هزار تومان بود. دو هفته بعد برابر با ۱۵ رمضان روز میلاد امام حسن(ع) برابر با ۲۶ بهمن ۱۳۰۸ عروسی برگزار شد و خدیجه به خانه بخت رفت... چند وقت بعد آقا سیدابوالقاسم کاشانی، مجتهد معروف و سیاست‌پیشه معروف تهران که آقا روح‌ا... را دیده بود به پدر خدیجه گفته بود این اعجوبه را از کجا پیدا کرده‌ای؟!

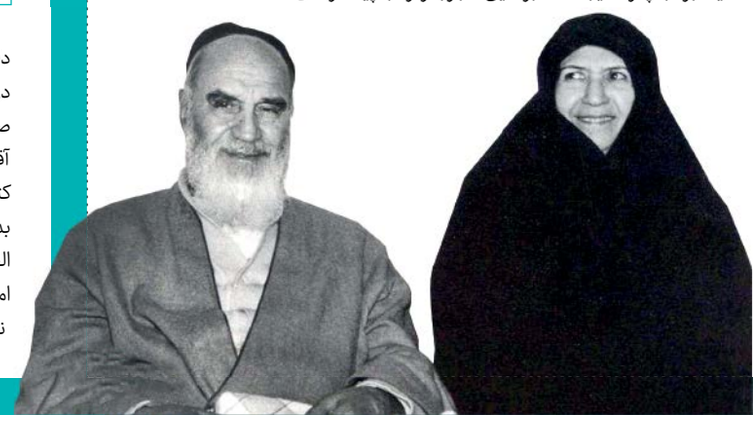

توییت‌گرام

#الف_لام_خمینی

«الف لام خمینی» نام کتابی است به قلم هدایت‌ا... بهبودی که به زندگی امام خمینی (ره) می‌پردازد. این کتاب سال گذشته جایزه ادبی جلال آل‌احمد را در بخش مستندنگاری از آن خود کرد. «الف لام خمینی» همچنین در سی‌وششمین دوره جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران عنوان اثر برگزیده بخش مستندنگاری را از آن خود کرد.

این کتاب با ۱۱۵۷ صفحه در یك جلد شامل ۱۸ فصل است. این کتاب در سال ۱۳۹۷ به کوشش انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی به چاپ رسیده است.

کتاب «الف لام خمینی» کتابی جامع درباره زندگی امام خمینی است. این کتاب با معرفی خاندان خمینی آغاز شده و سیر زندگی امام را از تولد، نشو و نمو، تحصیل در زادگاه، ادامه درس‌آموزی در اراك و مهاجرت به حوزه علمیه قم پی می‌گیرد.

می‌توان این زندگینامه را به دو بخش تقسیم کرد؛ اول زندگی علمی امام در قم، که بیش از ۴۰ سال از عمر او را دربر گرفت. دوم زندگی سیاسی اوست که از اواسط سال ۱۳۴۱ آغاز می‌شود. خواننده در این کتاب می‌تواند به اوضاع اجتماعی روزگار حیات امام خمینی پی ببرد و تصویری از اوضاع جامعه را به‌دست بیاورد. سری زدیم به شبکه اجتماعی توییتر تا ببینیم واکنش مخاطبان جدی کتاب به «الف لام خمینی» چه بوده و درباره‌اش چه نظری دارند.

Tweet

حالا که سالگرد آیت‌ا... بروجردیه روایت دیداری که امام خمینی از طرف آیت‌ا... بروجردی برای حرف زدن با شاه مامور میشه رو بخونید. امام خمینی تو این دیدار، داخل کاخ شاه روی تنها صندلی که صندلی شاه بوده می‌نشینند و شاه سرپا با امام حرف می‌زنه. #الف_لام_خمینی

۴ ۴ ۱۰

Tweet

جمله‌ای تکان‌دهنده از حضرت امام به آیت‌ا... بهاءالدینی در دهم اسفند سال ۵۷: «همه چیز در اختیار من است و من در اختیار خودم نیستم!» صفحه آخر #کتاب #الف_لام_خمینی #چهل_سالگی_انقلاب

۴ ۵ ۱۱

Tweet

#الف_لام_خمینی هم تمام شد. حتما بخوانید کتاب رو تا ببینید خمینی چگونه انقلاب کرد در برابر متحجران و دیکتاتورها. اینجاست که راز درودهای چند باره رهبری به بهبودی و سرهنگی آشکار میشه. #هدایت_ا..._بهبودی #انقلاب_اسلامی

۳ ۴ ۷

Tweet

#الف_لام_خمینی دیشب تموم شد. لذت #بیوگرافی خوانی یك رهبر اجتماعی در کانتکست حوادث تاریخی و سیاسی و اجتماعی اونقدری بود که فی‌المجلس دست ببرم به #شرح_اسم... هر قدر خوب شروع شده بود، عادی و معمولی تموم شد. #هدایت_ا..._بهبودی

۴ ۲ ۱۵

Tweet

#الف لام خمینی روز اول نمایشگاه کتاب سی و یکم برایم روز مبارکی بود. دیدار هدایت‌ا... بهبودی نویسنده بزرگ کتاب شرح اسم در غرفه موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی روز و سال حال ما را خوب کرد.

۲ ۴ ۸